

بیکاری تورم و بی اعتمادی اکثریت مردم ایران

آذر کیمیا

امار بیکاری و تورم در کشور سرسام آور است. مثلاً بطور رسمی بیکاری ۱۰ درصد اعلام می‌شود، ولی وقتی سرانگشتی اطراف را نگاه می‌کنید، متوجه غیر واقعی بودن آن خواهید شد، و انگار بیس از صف جمعیت کشور بیکارند. یا امار تورم ۳۸۶٪ را می‌سنجد ولی ما در یک ماه نهایتاً مثلاً ۵۰٪ قلم مصرف داریم. در این تعداد تورمی که حساب می‌کنیم مثلاً ۴۰٪ در صد است، اما تورم کالاهایی که بانک مرکزی اعلام می‌کند ۹٪ در صد است. یعنی حس ما از تورم با امارهایی که دولت ارائه می‌کند متفاوت است. در مورد امارهای وزارت بهداشت هم همینطور است. مهمترین نقطه ضعف جامعه ایران بحران بی اعتمادی است، و با تداوم تحریم‌ها و عدم مهار تورم رکود و بیکاری فزاینده بر عمق این بی اعتمادی افزوده می‌شود.

در اینجا منظور از بی اعتمادی فقط بی اعتمادی بین افراد نیست، یعنی وضعیتی که هر روز روی حرف و عمل مخاطبش در آینده نتواند حساب کند و مطمئن باشد. منظور این است که اعتماد افراد به اداره کنندگان جامعه اعتماد به مجموعه حکمرانی بسیار پایین است. گسترش ناامیدی در جامعه زیاد است. امید اجتماعی مهمترین سرمایه برای حل چالش‌های ایران از جمله چالش بیکاری و فقر است. به واسطه ادامه حاکمیت طولانی مدت یک سیستم نابرابر و بیمار و متکی به فریب و دروغ و تخریب، جامعه ما پر شده از بیمارانی که از شدت درد کهنه‌ی روانشان گلوی آرامش یکدیگر را فشار می‌دهند. بیمارانی که پشت میزها نشسته و با روانی گسیخته و نا آرام میلیون‌ها نفر را مبتلا به فقر و یاس و بلا تکلیفی کردند. مردمی که از شدت درد و رنج در اعماقی نجیبانه فریادمی زنند. سکوتی که حکم اعدام جمعی‌شان است. سلامت روحی افراد میزان سلامت و اصالت یک جامعه را مشخص می‌کند. اما این سلامتی تا روزی که این نظام سرکار است بدست نخواهیم آورد!

دست جمهوری اسلامی و سرمایه داران...

یورش نظام فاسد و ضد کارگری جمهوری اسلامی به مراسم روز جهانی کارگر و به اعتراض معلمان را قویاً محکوم کرده و خواهان آزادی فوری بازداشت شدگان روز جهانی کارگر و معلمان بازداشتی است. روز جهانی طبقه کارگر امسال در ایران، علیرغم کاستی‌های که داشت، در کل گام مثبت و با ارزشی در نمایندگی کردن طبقه کارگر ایران برداشت و به رشد و آگاهی بیشتر و ایجاد صف مستقل طبقاتی جنبشمان کمک نمود. هراس جمهوری اسلامی و بورژوازی ایران نیز دقیقاً ناشی از همین گسترش رشد آگاهی طبقاتی کارگران و اتحاد آنها، و وحشت از روزی است که این طبقه، از جمله در مراکز کلیدی، به میدان بیاید و مانند نظام شاه مستبد و بورژوا، این نظام به مراتب مستبدتر و ضد کارگری تر اسلامی را نیز به درک نائل نماید!.

اما برای تحقق این هدف محوری لازم است با قدرت هر چه بیشتری نه تنها در روز جهانی کارگر که در هر لحظه مبارزه و جدال طبقاتی خود علیه کلیت جمهوری اسلامی و سرمایه داران به میدان بیاییم. باید بیش از پیش به سنتها و ابزارهای مبارزاتی موثرتر طبقه کارگر، از جمله اعتصاب و خواباندن چرخ تولید، که هم از یکسو به افسارگسیختگی گسیل نیروی سرکوب افسار میزنیم و هم موثرتر و شکننده تر و پر هزینه تر برای دولت و بورژوازی تمام خواهد شد، روی بیاوریم. از این طریق تردیدی نیست حتی به مراسم و جشن و سرور و اعتراضات توده‌ای- خیابانی خود نیز به ویژه در روز جهانی کارگر قدرت ده چندان خواهیم بخشید.

حزب سوسیالیست انقلابی از کارگران و مردم آزادیخواه در سراسر کشور می‌خواهد به یاری همقطاران خود بشتابند و آنها را از زندانهای این نظام ضد انسانی بدون قید و شرط بیرون بیاورند. کلیه کارگران و معلمان بازداشت شده فوری باید آزاد گردند. دست اوپاش جمهوری اسلامی و سرمایه داران زالو صفت از سر طبقه کارگر و صف آزادیخواهان ایران کوتاه!

درد بر برگزار کنندگان روز جهانی کارگران!
مرگ بر نظام سرمایه داری!
مرگ بر جمهوری اسلامی!
زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۱۴ اردیبهشت ۱۳۹۸

۴ می ۲۰۱۹

کارگران، زنان، جوانان، مردم مبارز و تشنه آزادی و برابری!

برای رسیدن به اهداف خود به صف کارگران و سوسیالیستها، و به حزب سوسیالیست انقلابی ایران پیوندید! این حزب، حزب شما است! حزب سوسیالیست انقلابی را به جامعه معرفی کنید و در حمایت از آن در شکل محافل و دستجات مختلف خود را سازمان بدهید، خود را با رهبری حزب هماهنگ کنید، و بطور منظم با ما در تماس باشید. iransocialist2017@gmail.com.

آزادی، برابری، حکومت کارگری!

هدف از کمک های "انسان دوستانه" عربستان سعودی و امارات به مناطق سیل زده چیست؟

زاگرس ابراهیمی



زمانی که سخنان رهبران این احزاب وابسته به عربستان و سیاست و استراتژی آنها را با دقت نگاه

میکنیم میبینیم که

این احزاب در درجه اول به گفته خود رهبران آنها وابسته مالی و امنیتی به کشور عربستان سعودی هستند و سیاست آنها تجزیه مناطق جنوب ایران تحت عنوان ملت عرب و تشکیل دولت الأحواز است در وهله اول یا لابیگری این احزاب است که خواستار کمک های انسان دوستانه عربستان در جهت نفوذ خود در این مناطق شده اند یا اینکه عربستان با این کار خود راساً باعث به وجود آمدن تفرقه و پدیده شوم نژادپرستی برای مردمان این مناطق است. در این صورت، این کمک های "انسان دوستانه" عربستان سعودی را نمیتوان نه کمک و نه انسان دوستانه نام برد. بلکه برعکس در دراز مدت سم خطرناکی است که باعث میشود تخم نژادپرستی در میان مردمان کشوری کاشته شود که سالها باهم بدون هیچ مشکلی زندگی همزیستانه ای داشته اند و تنها چیزی که برای این مردمان اهمیت نداشته است زبان گویشی آنان بوده است. مردمی که هم از جانب حکومت اسلامی حاکم بر ایران مورد سرکوب و نالقی و ستم قرار دارند و هم از جانب دارو دسته های به ظاهر اپوزیسیون فاشیست مذهبی عربی نزدیک به دولت عربستان. در نتیجه نه کمک حکومت ایران و سلفی گرفتن مقامات دولتی و فراماندها سپاه در جریان سیل و نه کمک اقتصادی عربستان از روی دلسوزی و کمک واقعی به آسیب دیدگان نیست. اینها خود دشمنان اول همان شهروندان و منفعت اقتصادی و شهروندی برابر آنها هستند.

همانگونه که در مقاله اخیر نیز تحت عنوان "قربانیان تبعیض نژادی نباید به رویکرد تبعیض نژادی پناه ببرند" در باره کمک رسانی یک گروه نژاد پرست کورد به آسیب دیدگان سیل در لرستان نوشتیم، این گونه اقدامات و برخوردها به مردم آسیب دیده را محکوم کرده ام. به نظر من این گونه اقدامات به اسم انسان دوستانه عربستان سعودی و امارات نیز در همین راستا قرار دارد. در نهایت مردم ایران باید بسیار هوشیارانه با این مسائل که تخم نژادپرستی و نفرت را در میان آنها میکارد برخورد کنند و قربانی دست این گونه احزاب و سیاست های نژادپرستانه و یا مذهبی آنها نشوند، احزاب و فعالین چپ ایران نیز باید در مقابل این اقدامات نژادپرستانه و مذهبی برخورد قاطعی داشته باشند.

نشتافتند؟! آنچه روشن است از هر دو سوی این داستان اهداف سیاسی و ضد انسانی خوابیده است، ایران از ترس گسترش اعتراضات و هموار کردن راه بقای خود و بقیه هم در جهت اهداف شومشان دست به چنین اقدامات "انسان دوستانه" ای زده اند. هیچکدام در راستای کمک به آسیب دیدگان نبوده و نیست.

زمانی که جغرافیای سیاسی مناطقی که دچار بحران شده است را به دقت نگاه میکنیم میبینیم که اکثریت این مناطق آسیب دیده متشکل از عرب زبانان ایران می باشد. وقتی از لحاظ سیاسی و امنیتی تنش های مابین این کشور ها را با دقت بیشتری نگاه کنیم متوجه میشوم در سال های اخیر برای مناطق عرب زبان ایران احزابی با اسم های مختلف در خارج از کشور به اسم دفاع از حقوق مردمان این استانها تأسیس شده اند. برخی از این احزاب خواستار تشکیل دولت الأحواز و برخی خواستار فدرالی هستند و اخیراً نیز شاهد برخی اقدامات مسلحانه این احزاب در آن مناطق بودیم که بزرگترین آنها میتوان اقدام مسلحانه در روز موصوم به هفته دفاع مقدس و رژه نیروهای مسلح ایران نام برد که هنوز این اقدام نیز در هاله ای از ابهام به سر میرد، زیرا یکی از این احزاب ها و داعش هر دو همزمان مسئولیت این اقدام را به عهده گرفتند!

دولتی که حامی چنین احزاب و چنین اقدامات مسلحانه ای بر ضد این رژیم است چگونه ممکن است قبل از حل اختلافات منطقه ای و در اوج تنش ها چنین کمک های انسان دوستانه ای را به مردم آسیب دیده ایران انجام دهد، در حالی که سیاست اصلی آن فشار حداکثری تحریم ها و گرسنگی مردم و شوراندن مردم بر علیه همان حکومتی است که بر سر مسائل متعدد تنش دارند. و گویا چنین اقدامی را بدون هیچ گونه هدف و سیاستی انجام می دهند. به نظر من دو علت بیشتر ندارد که هر دو علت نیز در نهایت به يك هدف ختم میشوند.

همانطور که همه ما طی این سال های اخیر شاهد آن بودیم میان عربستان سعودی و امارات با ایران بر سر مسائل منطقه تنش های زیادی به وجود آمده است به حدی که این تنش ها باعث آن شد که بارها نیز هم دیگر را به اقدام متقابل تهدید کنند اما بعد از رویداد سیل اخیر در برخی از مناطق کشور شاهد آن بودیم که عربستان سعودی و امارات اعلام کردند که ۹۵ تن کمک های انسان دوستانه از طریق حلال احمر به مناطق سیل زده ایران ارسال خواهند کرد و ایران نیز هیچ گونه واکنش منفی به این قضیه نداشت.

در این زمان که سه کشور نامبرده در اوج تنش به سر میبرند و در صدد هر گونه ضربه زدن به رژیم حاکمه و ایجاد بحران و فشار بیشتر تحریم ها بر سر ایران هستند اینگونه کمک ها امر طبیعی به نظر نمیرسد. ممکن است در نگاه اول شنونده این خبر، این برداشت را داشته باشد که این کمک های انسان دوستانه است و هیچ گونه دخالتی با تنش های مابین کشورهای نامبرده ندارد یا از نگاهی دیگر ممکن است شنونده را به فکر فرو ببرد که این کمک ها و عدم واکنش منفی ایران به ارسال این کمک ها ضمیمه را برای این کشور ها خوش میکند که از تنش ها بکاهند و روابط حسنه ای مابین خود برقرار کنند اما سوال اینجاست اگر عربستان سعودی و امارات متحده از دید انسانی به بحران سیل زدگی مناطق ایران نگاه میکنند و خواستار کمک های انسان دوستانه هستند پس چرا برای مناطق زلزله زده کرمانشاه آن موقع نیز حس انسان دوستانه نداشتند و به این مناطق هم کمک نکردند؟! همان سوال در مقابل گسیل حسد شعبی و دیگر سرکوبگران وابسته به ایران به آن مناطق تحت عنوان فریبنده "کمک به سیل زدگان" همواره مطرح بوده که اگر مسائل دیگری پشت این نمایشها نیست چرا باز همین نیروها به کمک زلزله زدگان استان کرمانشاه

نه به تحریم اقتصادی، نه به امریکا، نه به جمهوری اسلامی،!

تحصن و اعتراض روز ۱۲ اردیبهشت
معلمان در ایران به روایت تصویر

چند عکس اول می ۲۰۱۹-۹۱۳۹۸
در تهران، سنندج و سلیمانیه



آزادی، برابری، رفاه، امنیت!

باز نشر

دست آمریکا از ونزوئلا کوتاه! بحران ونزوئلا پاسخ سوسیالیستی می طلبد!

بحرانی که اکنون کشور ونزوئلا را فرا گرفته است ریشه در یک کشمکش و تناقض سیاسی، اقتصادی و ایدئولوژیکی تاریخی دارد. جدال و کشمکش بین بورژوازی عریان و دست راستی با پرچم دمکراسی، و چپ جناح بورژوازی در پوشش "سوسیالیسم". ونزوئلای صاحب ثروت عظیم نفت و گاز "ضد امپریالیست آمریکا"، برای آمریکا، و آنهم برای دولت ناسیونال-فاشیست حاکم ترامپ، که ارتجاع ملی گرائی توأم با اقتصاد و ثروت و سود سرمایه داری افسار گسیخته مینا و منشا دمکراسی اش است، ادامه چنین شرایطی در ونزوئلا قابل تحمل نبود. هیئت حاکمه آمریکا، بعد از یک دوره طولانی اعمال سیاست جنایتکارانه تحریم اقتصادی و به گرسنه کشاندن شهروندان آن کشور، بعد از تعمیق تر شدن بحران اقتصادی-سیاسی در ونزوئلا و ناتوانی در دادن پاسخ درست به آن از جانب دولت کنونی ونزوئلا، راه برای دخالت‌های ارتجاعی خود را هموارتر دید. از روش کانگستریسم بلوکه کردن اموال در کشورهای دیگر تا خط باطل کشاندن به روی پدیده ای به اسم "انتخابات" و از بالای سر مردم یک کشور راسا اعلام "رئیس جمهور" کردن، گواه بر پوچی و ضد انقلابی بودن راهی است که این دولت‌های دمکراسی طلب جلو جامعه گذاشته است. در هر صورت منفعت "مردم" مطلقاً هدف نیست، دولت آمریکا و وزیر خارجه اش دروغ میگویند!، کنار زدن یک قدرت "ضد امپریالیست آمریکا" به اسم چپ، که گویا "پولها را به فقرا می دهد تا رای هایشان را بگیرند"، و دسترسی کامل به روئیای دیرینه بدست آوردن اقتصاد یک کشور مملو از ذخایر نفت و گاز با به قدرت رساندن یک جریان دست راستی هدف است.

تردیدی نیست که ونزوئلا یک کشور سوسیالیستی نه تنها نیست بلکه بخشی از شرایط کنونی را ناشی از سیاست‌های غلط و ضد سوسیالیستی دولت ونزوئلا در پوشش نامربوط "سوسیالیسم" باید مورد توجه قرار داد. دولت تاکنونی ونزوئلا، با هر ادعا و تفاوتی که داشته اما به شکل دیگری نظام فاسد سرمایه داری را در قالب "خصوصی سازی" نمایندگی و حفظ کرده است. یک کشور با داشتن این همه ثروت نفت و گاز نمیتواند و نباید یک روز شاهد فقر و گرسنگی و این سطح از وجود تضاد و تفاوت طبقاتی باشد! هر جای فقر و نابرابری و بردگی مزدی وجود داشته باشد، پرچم سرخ کارگری و سوسیالیسم بر فراز کل کشور و همه سیاست‌هایش ناظر نگردد، آن کشور سوسیالیستی نیست! اما این حقیقتها سر سوزنی دال بر "بهرتر" بودن سیاست‌های آمریکا هم نیست! برعکس، سیستم بورژوازی آمریکائی و دولت‌های مورد حمایت آمریکا از ضدیتشان با انسانیت و طبقه کارگر بسیار ارتجاعی و افسارگسیخته تر از سیستم سرمایه داری جاری در ونزوئلا است. زندگی کنونی شهروندان ونزوئلای هر چند قابل قبول نیست و باید به نفع طبقه کارگر و آزادی عوض گردد، اما هنوز هم دهها برابر بهتر از روزی خواهد بود که سیستم بازار آزاد ترامپ و افسار سرمایه داران تماماً در آن کشور رها گردد! بخاطر شرایط حاکم کنونی در ونزوئلا دولت آمریکا نباید بتواند سیاست‌های به مراتب ضد انسانی تر و چهره ریاکارانه خود را پنهان نماید. نباید بتواند با عوامفریبی خود و همپیمانانش در ونزوئلا را پیام آور زندگی بهتر برای شهروندان قلمداد کند، دولتی که از راه تحریم اقتصادی مردم یک کشور را به فقر میکشاند حق ندارد ادعا کند که به "مردم" همان مملکت کمک میکند! دولت آمریکا در عین حال از کانال این دخالت‌های موبیانیه و به گرسنه و بحران کشاندن شهروندان ونزوئلای جدال خود را با روسیه و چین دارد دنبال میکند، همچنانکه در سوریه و اوکراین و غیره چنین کردند!، اما هر دو سوی این جدال ارتجاعی و بورژوازی اند، و نفعی برای بشریت آذیخواه نداشته و ندارد!

حزب سوسیالیست انقلابی سیاست دخالت دولت آمریکا را در برخورد به رویدادهای ونزوئلا را قویاً محکوم می کند! آنرا نه در جهت منافع "مردم"، که علیه منافع کارگران و شهروندان، و در خدمت به قدرت رساندن یک اپوزسیون دست راستی ارزیابی میکند. آن بخش از اپوزسیون راست و چپ ایرانی که در این رویداد تحت عنوان "انقلاب"، "حضور میلیونی" و... (همان توصیفاتی که مثلاً در جنبش سبز، نماز جمعه و مرگ رفسنجانی، و اخیراً هم بخشاً در "انقلاب دیمه"، و...) به دلیل عشق یکطرفه و پوپولیستی که "به مردم" و "تودها" دارند، به حامی چنین تحولات دست راستی تبدیل میگردند تا از آن به عنوان الگوی به منظور شکستن کمربند کارگر و سوسیالیسم در ایران استفاده نمایند، ضروری است افشا گردند. تلاش برای به قدرت رسیدن از راه جنگ و کشتار و یا "انقلابات" رنگی و مخملی، و اتکا به تحریم اقتصادی و دخالت "مثبت" آمریکا و دیگر قدرتهای بورژوازی، امید بستن به کنفرانس ورشو در تحولات ایران، و غیره دو روی یک سکه هستند. بجز آزادی و برابری و سوسیالیسم، هر ارتجاعی از این راهها میتواند به قدرت برساند.

بحران ونزوئلا راه حل انقلابی و پاسخ سوسیالیستی میطلبد!، اهم این اقدامات و پاسخها عبارتند از: ۱- شکل دادن فوری به یک قطب سوم سوسیالیستی و انقلابی از راه ایجاد و اعلام حزب یا احزاب نوین کارگری و سوسیالیستی مدعی قدرت (ایجاد شورای رهبری موقت و واحد انقلابی)، ۲- به کنترل در آوردن همه مراکز کارگری از راه ایجاد تشکلهای شورائی و سراسری کارگری مستقل از بورژوازی ۳- اعلام مخالفت کامل با سیاست تحریم اقتصادی و دخالت آمریکا و هر دولت دیگری در تحولات کشور، ۴- اعلام پلانقرم سیاسی/اقتصادی پیشرو و سوسیالیستی و عملی کردن فوری عمیقترین اصلاحات اقتصادی و سیاسی و فعالیت بدون قید و شرط سیاسی در کشور به نفع کارگران و زحمتکشان و اکثریت شهروندان، ۵- اعلام ضرورت کناره گیری مسالمت آمیز دولت کنونی و همچنین "رئیس جمهور" اپوزسیون دست ساخت آمریکا از قدرت و سپردن سر نوشت جامعه به دست قطب سوم جدید (شورای رهبری موقت قطب سوم) ۶- اعلام فوری انتخابات کاملاً آزاد بدون فشار و ارباب و دخالت قدرتهای خارج و نیروی نظامی، تضمین آزادی کامل شهروندان و اختصاص دادن همه امکانات اقتصادی و مدیائی برابر برای کارگران و آزادیخواهان از جمله قطب سوم در پروسه انتخابات. دست آمریکا از ونزوئلا کوتاه! بحران ونزوئلا پاسخ سوسیالیستی می طلبد!

مرگ بر سرمایه داری!

زنده باد سوسیالیسم!

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

۹ بهمن ۱۳۹۶ - ۲۹ ژانویه ۲۰۱۹

بر قرار باد جمهوری سوسیالیستی!

جنایت تروریستی در سریلانکا ۳۰۰ کشته و ۵۰۰ مجروح بر جای گذاشت

دیروز یکشنبه، ۲۱ آوریل ۲۰۱۹، در جریان هشت زنجیره عملیات سازمانیافته هولناک انتحاری و بمب گذاری در چندین هتل و کلیسا، در چند شهر سریلانکا قریب به ۳۰۰ انسان بی دفاع کشته و ۵۰۰ نفر هم مجروح گردیدند. تردیدی نیست پشت این جنایت گروه‌های تروریستی اسلامی قرار دارد.

هیچ چیزی درد آورتر از دیدن چنین صحنه‌های از کشتار انسانهای بی دفاع نیست! و اما درد آورتر از آن مشاهده صحنه‌های عمیقاً ریاکارانه اعلام "همدردی" از جانب صفی از سرمایه داران و خرافه پرستان بیمار و قلدر و بیشرم حاکم بر همین جهان مملو از جنایات است. کسانی که خود و دولت و نظامشان مسبب و بانی بروز ترور و تروریسم و وقوع این نوع کشتارها در جهان ظالمانه تحت کنترل خود هستند. از چهره ریاکارانه امثال ترامپ تا آنتونیو گوشتی، از تترامی تا پاپ فرانسیس، از "شورای مسلمانان سریلانکا" تا جمهوری اسلامی و... خود عامل فاجعه شوک آور کشتار انسانهای بی دفاع نه تنها در سریلانکا که در ایران، سوریه، پاکستان، عراق، افغانستان، یمن، لیبی، مصر، فلسطین، فرانسه و ... بوده و میباشند. اینها هر روز "بدون سرو صدا" و بدون بمب و عملیات انتحاری نیز، صدها هزار انسان را در مراکز کار، در مکانهای برده داری "مدرن" و در کلیساها و مساجد، و کلیه مراکز قرون وسطی مذهبی و فاشیستی، هم به لحاظ فیزیکی و هم روحی و شخصیتی از بین میبرند، تا بتوانند نظام اقتصادی و قدرت سیاسی و مافیایی فاسد خود را حفظ نمایند. در این راستا هر روز میلیاردها دلار برای جنبشهای سیاسی-ارتجاعی و تروریستی مذهبی و ملی نزدیک به خود را هزینه میکنند، چرا که حفظ و گسترش خرافات ملی و مذهبی و پاشاندن سم نفرت دینی و ملی در جامعه و ایجاد تقابل غیر انسانی بین شهروندان بر این اساس یک رکن مهم و دائمی بقای نظام سرمایه داری و دولتها و احزاب شان است.

نفرت و انزجار عمیق از ترور و تروریسم را نمیتوان از ضرورت شکل دادن به یک جنبش سیاسی-طبقاتی خود آگاه و گسترش تنفر و انزجار اجتماعی از خرافه دینی و ملی، از کلیسا و مسجد، و از نظام حاکم و وقیحانه سرمایه داری و رئیس و روسای آن جدا کرد. حزب سوسیالیست انقلابی ایران از نظام سیاسی-اقتصادی-اداری- طبقاتی حاکم بورژوازی که زمینه‌های سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و اجتماعی تروریسم و جنگ و کشتارگاه جهان انسانی را نیز در جهت منفعت و بقای خود بازسازی و خلق نموده است عمیقاً متنفر است!، و راه رهایی بشریت را پایان دادن به این نظام نابرابر و ضد انسانی میداند. حزب اقدام تروریستی هولناک سریلانکا و هر شکلی از اقدامات تروریستی، چه در پوشش مذهب، و چه راسیسم و ناسیونالیسم، را قویا محکوم مینماید. جهان متمدن را علیه نظام وحشی سرمایه داری و کلیه نیروهای تروریستی مذهبی و ملی گرایانه فرامیخوانیم.

حزب سوسیالیست انقلابی ایران

Iransocialist2017@gmail.com

دوم اردیبهشت ۱۳۹۸ - ۲۲ آوریل ۲۰۱۹

جنبش ما باید با هوشیاری و با صف و پرچم روشنتر و واحد تری به میدان بیاید. هیچ اعتراض "همگانی" تا آخر نمیتواند "همگانی" باقی بماند. همچنانکه دیدیم در اعتراضات اخیر هم کسانی که برای آزادی و علیه گرانی و فقر و علیه فساد و استبداد دولتی به میدان آمدند در ادامه با شعارها و "مطالباتی" روبرو شدند که هیچ ربطی به آنها نداشت. در نتیجه جنبش ما باید از همان گام نخست با صف و پرچم و مطالبه مستقل خود به میدان بیاید و اجازه ندهد ارتجاع سرمایه داری چه در درون حاکمیت و چه در ابوزسیون از آنها به عنوان نیروی خود برای اهداف ارتجاعی استفاده کنند. کسانی که برای دفاع از لجن بنفش مجاهدینی و یا سیستم تر سالاری پادشاهی به میدان می آیند هیچ ربطی به صف مبارز آزادیخواهان ما علیه نظام فاسد جمهوری اسلامی که سیاست و فرهنگ هر دوی اینها را در خود نمایندگی کرده است، ندارند. توجه به این امر مهم یکی از عواملی است که میتواند شکست و یا پیروزی ما را به عنوان جنبش آزادی و برابری و کارگری رقم بزند، از همینجا و در آغاز کار میتوانیم مانع تکرار تجربه تلخ سال ۵۷ باشیم. آنزمان بخشی از "جپ" نیز به همراه نیروهای راست چنین کلاه گشادی را سر مبارزین و جنبش ما گذاشتن و گفتند فعلا همه "ضد شاه" باشیم بعدا در فکر اختلاف سیاسی و حکومت آتی، فعلا برای "کشور" برای "میهن" و "همه با هم" تلاش کنیم. دیدیم دروغ گفتند و نتیجه اش شد خمینی جلاد و این حکومت وحشیهای اسلامی و دزد و فاسد و ویران کردن زندگی و هستی دهها میلیون انسان از قیام سال ۵۷ تا کنون، که هنوز هم داریم چوب آن کلاهبرداری سرمایه دارانه و حامیانشان را در ایران و دولتهای غربی شان میخوریم. (سلام زیجی)

ایجاد تشکلهای کارگری مستقل از دولت یک ضرورت مبرم کارگران!



اول ماه مه، ضرورتها و موانع (متن پیاده شده سخنان سلام زیجی در برنامه ویژه روز کارگر رادیو پیام کانادا)

و صدای اعتراض امیز جنبش ما بوده است. به ویژه در ایران طبقه کارگر يك انقلاب را پشت سر گذاشته، يك حكومتي را سرنگون کرده است، با نقش محوری شرکت نفت، و این تجربه را دارد که در درون خودش يك جنبش سوسیالیزم کارگري و کمونیزم کارگري را به عنوان يك جنبش بالنده در خودش بروز داده است، اینکه سرنوشت بخشی از آن جنبش با تأثیر پذیری منفی از سیر تحولات چپ اپوزسیون در قالب احزاب چپی و زندگی بی ربط بیشتر آن چپ به طبقه کارگر به کجا رسیده يك بحث دیگری است، اما به عنوان يك واقعیت زنده و در شکل هاي متعدد همه شاهد مبارزه ي آن ها هستند و اتفاقاً يکي از وحشت هايي که جمهوری اسلامي از طبقه ي کارگر دارد این است که چهل سال قبل این طبقه محور اصلی قیامی بود که در آن یک حکومت مستبد پادشاهی را سرنگون کرده است، و در چهل سال گذشته نیز علیرغم شلاق، گرسنگی، اخراج، و بازداشت و اعدام و حمله مسلحانه به اول ماه مي ها و ... در کل متوجه است که این طبقه ول کن نیست و مبارزه ادامه دارد و عزم جزم کرده است که به اهدافش برسد.

اما همچنانکه اشاره شد در عین حال واقعیت جنبش ما این است که موانعهای زیادی بر سر راه خود دارد، که بخشی از آن به جمهوری اسلامي و نقشه هايي که با سرکوب و ایجاد تشکل هاي ضد کارگري مانند خانه ي کارگر، شوراي اسلامي و انجمن های صنفی همواره کوشیده پروژه هاي متعددي را بی پیش ببرد و از درون طبقه کارگر و اعتراض او را خنثي نماید. از این جهت است که اجازه نمیدهد به طور مستقل طبقه ما داراي تشکل توده اي و گسترده ي خودش باشد. این ضعفها و کمبودها است که اجازه میدهد جمهوری اسلامي و کارفرمایان از نو و در شروع سال جدید ۹۸ يك دستمزد و قبحانه و بردگی چهار تا پنج برابر زیر خط فقر به طبقه کارگر تحت عنوان "حداقل دستمزد" تحمیل کند. شما وقتی منفرد و پراکنده و دیر هنگام و غیرمتحد، در قالب گروههای کوچک و ضعیف به مقابله با چنین یورشهای بزرگ علیه خود اقدام کنید روشن است که شکست خواهید خورد. در حالی که ما حداقل در عرض يك سال بالاي هزار اعتراض کارگري در مناطق مختلف داشته ایم و اعتراض و اعتصاب جنبش ما در هفت تپه و فولاد اهواز جهان را متوجه طبقه کارگر ایران کرد، و این دو اعتراض برجسته لایق این بود که بخش زیادی از جنبش کارگري ایران از آن حمایت میکرد و به میدان می آمد و پوزه ي جمهوری اسلامي را به خاک می مالید تا بتوان نه فقط مانع سرکوب آن گردند که تناسب قوا را به نفع طبقه کارگر در این شرایط پر متحول سیاسی تغییر می داد. متأسفانه به دلایل متعدد که بخشاً به آن اشاره کردم، اما الان بررسی جامع آن جاي بحث آن در این برنامه نیست، ما نتوانستیم این نقش را ایفا کنیم و نکردیم. به همین دلیل جمهوری اسلامي راحت توانست آن حرکت پرشور و رادیکال و فعالین آن را سرکوب کند و به حاشیه براند.

ادامه ←

سلام زیجی هستم از حزب سوسیالیست انقلابي ایران. با تشکر از رفیق امیر و رادیو پیام که به مناسبت ۱ می این وقت را در اختیار ما گذاشته اند. موضوع تعیین شده درباره ضرورت اول ماه مي و موانعها میباشد، من هم در این چهارچوب و را حل های که از نگاه ما یک دیدگاه کارگري و سوسیالیستی است، خدمتون نکاتی را عرض خواهم کرد.

ابتدا به رفیق امیر و همه بینندگان و شنوندگان این برنامه ویژه روز کارگر، روز همبستگی طبقاتی کارگران جهان، و این روز اعتراض به نظام حاکم سرمایه داری تبریک میگویم. امیدوارم در ماه مي امسال مهر هر چه بیشتر طبقاتي و سوسیالیستی و کارگري بر مراسم ها و کلیه تحرکات آن جنبش حک بخورد. در باره موقعیت جنبشمان در ایران که مخاطب کنونی این بحث است، بدوا نکاتی را یا آوری میکنم. متأسفانه موقعیت عمومی جنبش ما در يك موقعیت بسیار بدی قرار دارد. آمارهای سر سام آور فقر و بیکاری و کودکان خیابانی و حاشیه نشینی ها و گسترش دامنه سرکوب و غیره به ما اینرا میگوید. علیرغم تمام پیشروي هايي که در این سالها شده است، علیرغم تمام این مبارزات پر شور از جمله در هفت تپه و فولاد اهواز و بقیه اعتراضات، ما هنوز در موقعیت مناسبی قرار نداریم. جنبش ما و فعالین ما همین دیروز در جریان تدارک پر جنب جوش اول مه پیشاپیش مورد یورش رژیم و بازخواست قرار میگیرند، همین که جمهوری اسلامي هر سال يك هفته ي ارتجاعی را به نام هفته ي کارگر پایه ریزی کرده و مناسباتي براي تغییر محتوای طبقاتي و خنثی کردن ضدیت کارگر با ارتجاع سرمایه داري و جمهوری اسلامي، و اینکه توانسته با کشاندن بخشی از طبقه ما حول سیاستهای خود و خرافات، آسیب مهلکی به موقعیت جنبشمان بزنند، اینها و دیگر عوامل زیادی گویای شرایط نامساعد ما است، و البته همه این موقعیت که باید واقعینانه آنرا دید، باز نمیتواند نقاط مثبت کارمان و سر زندگی جنبشمان را به حاشیه براند و یا نادیده بگیرد.

از این جهت ضروری است پیام اول می امسال، با توجه به اوضاع بحرانی حاکمیت نیز پیام محکم و گسترده طبقاتی باشد، تا بتواند يك پیام بسیار رسا تري به کل طبقه اعلام کند و شرایط را به نفع خود تغییر دهد. طبقه ي کارگر ایران در کشوري زندگی میکند که بیشترین ثروت و منابع را داراست. خود آن طبقه، يك طبقه بسیار بزرگی است که همواره طی این چهل سال به انواع شکل مورد سرکوب جمهوری اسلامي و سرمایه داران قرار گرفته. اعدام، شلاق، زندانی، تحمیل فقر و گرسنگی و تعقیب و کشت و کشتار و هرچیزی که در شأن انسان نیست، جمهوری اسلامي و طبقه بورژوازي ایران به طبقه ي ما تحمیل کرده است. و البته در مقابل این جنایات بی وقفه ما هم ساکت نه نشسته ایم. اعتراض و اعتصاب همواره در جریان بوده است، نه گفتن به این سیستم و تعرضات جزو خصوصیات

نه شاه نه شیخ!، نه قومی نه مذهبی! مرگ بر جمهوری اسلامی!

اول ماه مه، ضرورتها و ...

شان را تا زمانی دوست دارند که بیايند پشت دموکراسی، پشت مذهب، پشت ناسیونالیسم و جمهوری و اصلاحات و سلطنت و ملت پرستی شان تا به عنوان لشکر سیاه از کارگران سو استفاده کنند و به نیروی به قدرت رساندن خود تبدیلشان کنند.

در حالی که طبقه ی کارگر در اول ماه می اولین وظیفه ای که دارد گفتن يك نه بزرگ به همه ی این هاست. اول ماه می در اقصی نقاط جهان و ایران و عواملی که از روز يك می سال گذشته تا روزيك می امسال سرکوب کرده اند، بانی تداوم جهان ظالمانه امروزد، حامی چنین نظامی بوده و هستند، دستمزد کارگر را نمیدهند، او را به فقر، فساد، اعتیاد، دستفروشی، حاشیه نشینی، که در این مدت اعلام کردند قریب به ۲ میلیون نفر به تعداد حاشیه نشینان ایران اضافه شده، و به همه آنها که طبقه کارگر و زحمتکشان جامعه را به موقعیت فرودست کشانده اند باید بگویم شما با هر رنگ و لباس و اسم و رسمی که دارید از ما نیستید، دشمن ما هستید، و باید به زیر کشیده شوید. چنین موقعیتی را امثال سرمایه دارانی تحمیل میکنند که در لوسان تهران زندگی میکنند، یا همین خامنه ای که دیروز تعدادی کارگر مستاصل را جمع کرده بودند و برایشان هدیه می گفت، یک غول سرمایه دار است، در ایران علاوه بر مذهب و خرافات و دولتی که در اختیار دارد، از نظر اقتصادی بزرگترین بورژوازی آن مملکت است و در رأس ارگانها و صنایع کشور قرار دارد. در نتیجه در چنین شرایطی در اول ماه می ما باید کل این پدیده ها را ببینیم. من به این معتقدم که طبقه ی کارگر در اول ماه می باید پرچم مستقل سوسیالیستی خودش را بردارد. باید با يك نگاه بسیار روشن و طبقاتی به همه چیز نه بگوید. یعنی هیچ چیز مثبتی در حاکمیت با دولت و با حز و اپوزیسیون راست ملی و اسلامی آن حتی هیچ کدام از این ها در هیچ گوشه ای از تاریخ نفعی برای کارگر نه تنها نداشته بلکه ذاتاً و تاریخی دشمن کارگر و جنبش آن، یعنی دسن مستقیم جنبش-کارگری/سوسیالیستی و قدرت گیری کارگران بوده و میباشند! اینها کارگر را در موقعیتی قرار داده اند که به عنوان ابزار دست و پله ی ترقی و به دست گرفتن قدرت خودشان از طبقه ی کارگر استفاده میکنند و متاسفانه توانسته اند بخشی از طبقه ما را گول بزنند و به دنبال خود بکشند.

حربه های "تمامیت ارضی" را به میان میکشند، کارگران را که در همه جا یک منفعت مشترک دارند تبدیل به کارگر "ترك"، "فارس" و "کرد" و "بلوچ" و "عرب" میکنند تا همان منفعت مشترک و واقعی را دفن کنند، و کارگر همچنان برده ماندگار بماند، یکی دیگر از همین جنبشهای بورژوائی پرچم "جنبش کردستان" خود را بر میدارد، یکی دیگر پرچم "جنبش آذربایجان" خود را بلند میکند، یکی دیگر در لس آنجلس نشسته و هنوز از پول پدرش که از مردم دزدیده اند را میخورد و پروژهای برنامه ریزی میکند و آلترناتیو سازی میکند که گویا ایران را "پس میگیرد" یعنی به ایران دوران ساواک و ناخون کشیدن ها می خواهد برگرداند و خودش هم بنا به اتکا به "مفاد حقوق بشر" تاج مفت خوری بر سر کند، همه اینها، تک تک شان، مانند جمهوری اسلامی ضد کارگر هستند! باید علیه همه شان بود.

← ادامه

موانع و یا ضعف های دیگری هم داریم، علاوه بر جمهوری اسلامی که دشمن است و هر روز میزند و سرکوب میکند و این هم حتی به پوششی برای نادیده گرفتن ضعفهای جدی دیگری تبدیل شده است، اولاً طبقه کارگر پراکنده است، و گفتیم متاسفانه پیشروان آن جنبش تا کنون موفق به ایجاد تشکلهای درخور و توده ای آن طبقه نشده اند، و در این میان احزاب های متعددی نیز وجود دارند که من فکر کنم با سیاستهای که دارند به تداوم آن ضعف در جنبش کمک میکنند، بخشاً ادامه دهنده همان سیاست های راست و پوپولیستی دوره سال ۵۷ هستند و دیدیم حاصل آن چه شد. ببینید همین روزها می شنوم و دیدم که به کارگران فراخوان میدهند به "جنبش های اجتماعی بیبوندید" از نهاد کودکان و جنبش های محیط زیستی حمایت کنید و غیره، طبعاً روشن است که طبقه ی کارگر باید به عنوان نماینده ی کل جامعه ظاهر بشود و طبعاً باید پرچم کل سرنگونی جمهوری اسلامی را به دست بگیرد، اما این از راه چنین سیاستهای که به جنبشهای دیگر بیبوندید متحقق نمیگردد، بر عکس منحل میشود و شکست میخورد. این جامعه و دیگر جنبشهای رادیکال هستند که در واقع با پیوستن خود به طبقه ی کارگر و حمایت از آن، و همین امروز که فلانی و فلانی را در تهران و جاهای دیگر بازداشت میکنند، این توده ی مردم زحمت کش و آزادیخواه هستند که باید بروند و از فعالین کارگری حمایت کنند، چرا که خیلی روشن است جمهوری اسلامی هر چوبی که بر سر کارگر بزند، هر کارگری را که بازداشت میکند، هر یورش اقتصادی که به کارگر میبرد، پیش در آمد تعرض به جنبشهای دیگر و کل جامعه است. اگر دستمزد کارگر را نمیدهد معلوم است فردا دستمزد کارمند و معلم را هم نمیدهد دانشجو را هم سرکوب میکند به این معنا میخوام بگویم که طبقه ی کارگر در راس منشأ همه ی تحولات قرار دارد.

از جمله در ایران که از نظر آماری هم اکثریت بالای جامعه را تشکیل میدهد، حتی بعضی از روشنفکران و مزدوران بورژوا، که به چنین حربه های پناه میبرند، میتوانند در کشور های اروپایی به من و شما امار بدهند که طبقه کارگر در "اقلیت" قرار دارد، گر چه این ادعا غیر واقعی است و در همه جهان کارگر اکثریت جامعه را تشکیل میدهد، اما در ایران حداقل کسی نمیتواند این حرفها را بزند. نزدیک ۲۶/۲۷ میلیون کارگر، آماده بکار، شاغل و بیکار، طبق آمار جمهوری اسلامی وجود دارد، علاوه بر این که هر کارگری صاحب خانواده ی دو سه نفری در نظر بگیریم حداقل قریب به ۵۰/۶۰ میلیون کارگر و خانواده کارگری یعنی اکثریت عظیم این مملکت را تشکیل میدهد. و زندگی همه جامعه بر دوش طبقه ی کارگر می چرخد و ساخته شده است ولی خودش جزو محرومترین، سرکوب شده ترین و تحقیر آمیزترین طبقه ی جامعه است. این موقعیت فرودست و ضد انسانی را جمهوری اسلامی و طبقه ی بورژوازی و فرهنگ و اخلاق و استثمار اقشار مختلف بورژوازی در ایران به طبقه ی کارگر تحمیل کرده است. نه فقط دولت بلکه اپوزیسیون راست نیز همین سیاست و فرهنگ و رفتار ارتجاعی دارند در برخورد به کارگران. کارگران "میهن"

اول ماه مه، ضرورتها و ...

باید با قدرت زد و سرنگون کرد و قدرت را گرفت، این کار را با هر قیمتی انجام دهیم، هر چه زودتر انجام بدهیم، باز هزینه اش به مراتب کمتر از پروسه ای بی انتهای دوره کنونی و یا فضای است که به ما بگویند " حرف خوب می زنی و عمل نمی کنی". پشت این ادعا واقعیت های خوابیده است، نبود عمل انقلابی و سرنگونی طلبانه و واژگون کردن کل بساط حاکم ظلم و استثمار بطور جدی از جانب جنبش ما نیز باعث گردیده که چنین تصویری را به وجود بیاورد. ما را دیده اند فقط در حال بحث کردن و تئوری بافتن و تفسیر اوضاع هستیم، بر عکس باید باید متوجه بشوند که ما بعد انقلابی داریم، اقدام عملی، انقلابی، مسلحانه و هر ابزاری برای سرنگونی امثال جمهوری اسلامی لازم است بدست می گیریم و داریم اجراش میکنیم. ما باید قیام کنیم. در هیچ جای دنیا کارگر و سوسیالیسم نمیتواند و نمیشود با انتخابات و دموکراسی و سیستم سفره پهن کردنهای فریبکارانه ای که بورژوازی برای ما راه انداخته پیروز شد و هیچ دولتی را از این میدانهای بازی تعریف شده بورژوازی نمیتوانیم سرنگون کنیم. ما باید برگردیم به سنت های انقلابی که از انقلاب اکتبر به ما به ارث رسانده است، و باید انقلاب کرد، انقلاب قهر آمیز کارگری، باید دست برد به زور و به اسلحه و به تمام ابزارها و مکانیزم هایی که میتواند بورژوازی و دولت، از جمله نظام وحشی جمهوری اسلامی، را ساقط و نابود کند. این راهی است که طبقه ی کارگر باید به آن فکر کند. تنها راهی است که طبقه ما میتواند از این مجرا به پیروزی نائل گردد، بقیه اش آب در هاون کوبیدن است.

ما به این مسیر معتقدیم و میخواهیم کل جنبش این راه و چشم انداز را در اس اهدافش قرار بدهد. اکنون که دور روز به روز کارگر باقی مانده است، فکر کنم به مناسبت اول ماه می، علیرغم همه ی کمبود ها و ضعف هایی که پشت سر گذاشته ایم، خوشبینیم که بتوانیم يك گام جنبشمان را با اتکا به افق سوسیالیستی و آرمان های آزادیخواهانه خودمان به جلو سوق بدهیم و بیش از پیش مارکس را بهتر بشناسیم و نمایندگی کنیم. راه حلی که ما طبقه ی کارگر و سوسیالیست ها فراخوان میدهیم بسیار ضروری است کل طبقه و توده ی مردم زحمتکش و جنبش های آزادی خواه و برابری طلب آنرا انتخاب نمایند و به آن بپیوندند. باید باهم بتوانیم به يك دنیا ی آزاد و برابر و انسانی دست پیدا کنیم.

در آخر ضمن تبریک مجدد به شما کارکنان رادیو پیام و همه ی کسانی که اول ماه می ضد سرمایه داری و اول ماه می سوسیالیستی را برگزار میکنند، درود بفرستم به همه کارگران و زحمتکشان و فعالینی که در این راه تلاش میکنند. همچنین جادارد که یادی کنیم از کارگران و کودکان و زحمتکشان و آزادیخواهانی که، بی شك از يك می پارسال تا يك می امسال تعداد زیادی در اشکال مختلف در میدان جنگ ها ارتجاعی، بخاطر فقر و گرسنگی و مرگ ناشی از سوانح کار و غیره جان باخته اند، یاد همه این همه طبقه های خود را گرامی میداریم و در مقابلشان سر تعظیم فرود می آوریم.

زنده باد سوسیالیسم! زنده باد روز جهانی طبقه کارگر!

(در جریان پیاده کردن متن، در مواردی تغییرات جزئی به منظور رساندن اصل بحث صورت گرفته است. این هم لینک این بحث در برنامه ویژه روز کارگر رادیو پیام، زمان پخش ۳۰ آوریل ۲۰۱۹: <http://radiopayam.ca/%D8%A7%D9%88%D9%84-%D9%85%D8%A7%D9%87-%D9%85%D9%87%D8%8C-%D8%B6%D8%B1%D9%88%D8%B1%D8%AA%D9%87%D8%A7-%D9%88-%D9%85%D9%88%D8%A7%D9%86%D8%B9/>)

مخواهم بگویم اول می روزی است که هر کارگری مثل من و شما باید به همه ی این موضوعات و پیامها فکر کند، داستان چیه؟ تا کی من کارگرم، بچه ام کارگره، نوه ام کارگره، نتیجه ام کارگره، و همیشه زیر دست آنهاست هستیم که با کار ما آدم شده اند. جریان چیه؟ این نیست که ما تنبلیم، آنچه که تعدادی بورژوازی ابله میگویند، همه زندگیمان کار کردن بوده و هست، تمام ثروت و سامان جهان امروز، از يك كورده تا پیشرفته ترین مناطق صنعتی جهان، طبقه کارگر است که سازنده ی آن است، اما خود از همه ی این ثروت محروم است و بی حقوق!، چرا آمار فقر و گرسنگی، آمار کودکان کار و خیابانی، آمار کارتون خوابی، آمار خودکشی، آمار اعتیاد و تن فروشی، آمار حاشیه نشینی و... به ماهای که پروت و سامان جهان را میسازیم تعلق دارد؟!، در فرانسه، در اسکاندیناوی نیز در سرمای زمستانی از نبود خانه و کاشانه چرا باید بخشی از انسانها جان خود را از دست بدهند؟! در اروپا، خود رسانه های بورژوازی میگویند ۰۰ میلیون "برده مدرن" جنسی وجود دارد، ۹۰ درصد آن ها کودکان کارند که از کشور های خاورمیانه آمده اند. ما باید به همه این فجایع که عامل آن نظام سرمایه داری و دولت و احزاب حامی آن هستند نه بگوئیم! باید به این نتیجه برسیم که این جهان جهان ما نیست! دنیایی که ما در آن زندگی میکنیم حتی در بهترین حالتی که فراموش کرده ایم و زندگی موقت خوبی با همدیگر داریم، باید بدانیم با این مسکن موقت دردهای واقعی خود را لاپوشانی کرده ایم این جهان یک جهان بیرحم و ظالمانه و جنایتکارانه ی است، باید از سر راه برداریم.

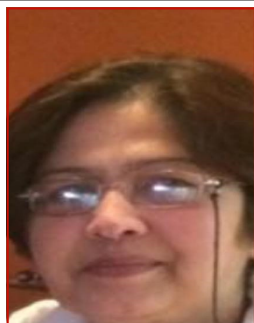
این جهان ضد انسانی جهان ما انسانهای کارگر و زحمتکش نیست! در این جامعه ما برای کسان دیگری کار میکنیم برای يك قشر مفت خور و ظالم داریم تولید میکنیم. مهم این است که این واقعیت ها را بدانیم و به همه این ها نه بگوئیم. بگوئیم این شرایط را قبول نداریم. این جهان جهان من نیست. ما میتونیم جهان آزاد و برابری بسازیم. ما میتونیم مستقل از ملیت و دین و همه ی خرافاتی که بورژوازی در تاریخ و امروز هم به اکثریت جامعه تحمیل کرده یک جهان شایسته انسان بسازیم و این خرافات را نیز به حاشیه برانیم. کسی که ستم ملی دارد کسی که ستم جنسیتی دارد و هر تبعیضی که در جامعه به واسطه همین نظام طبقاتی اعمال شده و هست، میتوانیم در يك جامعه سوسیالیستی، در جامعه ای که کارگر، وقتی این را میگویم منظورم فقط حاکمیت صرف کارگر به تنهای نیست، منظورم نظامی است که کارگر و سیاست کارگری در رأس آن قرار دارد، و يك نظام سوسیالیستی و آزاد و برابر و مرفه روی کار است، و متکی به شوراهای کارگری و انقلابی و توده ای در آن مملکت است، آن وقت تمام ثروت و سامان جامعه نیز به همه تعلق خواهد داشت، و دیگر کسی به خاطر هیچ موضوع دیگری تحت ستم و تبعیض قرار نمیگیرد، و این آینده و واقعیتی است که ما برای آن کار می کنیم.

بورژواها، مرعوب شدگان و عوامفریبان به ما سوسیالیستها و کارگرها میگویند شما حرف خوب میزنید، درست می گوئید، اما عمل ندارید، بحث من هم به عنوان يك کارگر و يك کمونیست، که همه ی عمرم را در این راه صرف کردم و به آن افتخار میکنم، یک پیام محکم و روشن در پاسخ به این "اتهامات" این است:

دست مذهب از زندگی جامعه کوتاه!

جنایت هولناک دیگری علیه زنان

ماریا یوسقزی



درد به خواننده گان عزیز !
چه بنویسم وچطورناله کنم واز کدام درد خود بنالم
از شکنجه جامعه ووحشت زده مرد سالاری که همیشه زن را جنس دوم
میشمارند واقعا اینبار درد جانسوزدیگر به قتل یک خانم که ۲۰ سال
عمرش با شکنجه سپری کرده بود توسط شوهر وپسرانش وحشت
دیگر را برپا کرد.واین خانم را به قتل رساندند.

این خانم فریده نام داشت. در چهلستون کابل زندگی میکرد، ودارای ۵ پسر وسه دختر بود.
شوهرش هارون نام داشت، هارون نام مردی مریض وروانی است که به قول برادر فریده خانم با
ماقیا دست داشت.این مرد روانی ومریض بوی از انسانیت نبرده بود و فریده را همیشه تحت
شکنجه وخشونت قرار میداد. هروقتی شوهرش این خانم را لت وکوب میکرد دخترانش گریه وناله
میکردند. مادر را از چنگ پدر ظالم خلاص میکردند. اما متأسفانه اینبار دست های ناپاک
شوهرش با دوپسرش به هدف شوم شان رسیدند. خانم بیچاره را به فجیح ترین شکل کشتند.
درانهای قتل فریده، دختران را در اطاق زندانی کرده بودند، وپسران خوردسال خودرا قبلا جای
دیگر انتقال داده بود، تا وحشی ادم نما به شکنجه و به فجیح ترین حالت فریده را به قتل
رساندند.این مرد روانی مریض درطول عمرش انواع مختلف شکنجه کرد.

ان حیوان مریض چندین بار دستای فریده را
شکستاده بود، و دندان هایش را با پلاس کشیده
بود.وقتی جان فریده خانم به لب رسیده بالاخره به
مرجع قانونی مراجعه کرد، واز شوهر شکایت کرد.
وقتی شوهر درنده اش از این موضوع اطلاع پیدا
میکند که خانمش شکایت کرده با دوپسر وحشی
صفت بنام قیس وویس، پسران را تحریک کرده که
مادرت ابروی مارا بخاک یکسان کرده و نباید زنده
بماند. از این رواین وحشی صفت ها مادر بیچاره را
اول سلاخی کرد ند، بعدا همراهی چکش بفرق اش
کوبیده تا جان داد و از این زندگی وحشتناک خلاص شد.



اما این درد به قربانی فریده ها ورخشانه ها و تبسم ها خاتمه نمیشود. زنان برای ادعای حق خود
اراده قوی داشته باشند تا برای آزادی وارامش وبرابری ومساوات که حق هر انسان است برسند.
ما زنان باید به پا برخیزیم و این زنجیر اسارت که جامعه مردسالاری و دینی ایجاد کردند
بشکنیم. باید برای نسل های دیگر آینده راه رهائی را روشن و بنا کنیم.
در هفته گذشته در صحن پوهنتون کابل، جای که در ان محل درس انسانیت بگیرند درس وحشت
را اموختند نیز از دست یک مشت مریض های روانی که مغز های انها شستسو شده بالای دختر
خانم دیگر به بهانه بی حجاب حمله ورشدند و میخواستند حادثه فرخنده را تکرار کنند اما نتوانستند.
در اخر باید بگویم، ننگ بر دشمنان برابری زن و مرد! زنده باد آزادی ومساوات جنسیتی!

نشریه شنبه ها

منتشر میشود

روزهای شنبه هر هفته
نشریه "سوسیالیسم
امروز" منتشر میشود.
آخرین زمان برای ارسال
مطالب برای نشریه
روزهای پنجشنبه هر هفته
است.

موازین انتشار

مقالات در نشریه

سوسیالیسم امروز:

- سردبیر در انتشار، رد و
ویرایش مقالات آزاد است!
- مقالاتی در این نشریه منتشر
میشوند که تنها برای این
نشریه فرستاده شده باشد.

- مسنولیت مقالات با
نویسندگان آن است.

حداکثر حجم مطلب منتشره در
نشریه دو صفحه آ ۴ با فونت
۱۲ میباشد.

مقالات و گزارشات خودرا لطفا
به این آدرس ایمیل بفرستید:

S_zijji@yahoo.se

به ما کمک مالی کنید

از طریق این شماره حساب
کمک های مالی خود را برای
ما بفرستید.

SWEDEN
SEB BANK
50550056411

هر میزان از کمک مالی شما
انسانهای مبارز و دلسوز
مستقیما به پیشرفت ما در
جهت گسترش مبارزه خود
برای آزادی و برابری و تداوم
مبارزه همه جانبه تر خود به
منظور سرنگونی جمهوری
جنایتکار اسلامی کمک فوری
خواهد کرد.

تماس با دفتر خانه حزب سوسیالیست انقلابی:

iransocialist2017@gmail.com

آدرس فایل سیمینار
سلام زیجی در باره نظام
شورائی

<https://>

www.facebook.com/637057660045472/

45472/

[videos/410390839511228/](https://www.facebook.com/637057660045472/videos/410390839511228/)

اخراج و بیکار سازی موقوف!